

تقدم سوفیا بر فرونیسیس و اهمیت آن در فلسفه اخلاق ارسطو

علی ناظمی اردکانی^۱، رضا داوری اردکانی^۲، مالک حسینی^۳

چکیده

نسبت میان فرونیسیس (phronesis) یا حکمت عملی و سوفیا (sophia) یا حکمت نظری، و در سطحی دیگر، نسبت بین فضایل اخلاقی و فضایل عقلی، یکی از موضوعات مهم در فلسفه اخلاق ارسطوست. اهمیت موضوع نه تنها به این دلیل است که در صورت تقدم و برتری فرونیسیس بر سوفیا، بین آموزه‌های ارسطو در متافیزیک و اخلاق نیکوماخوس تعارض پیدا می‌شود، بلکه بنظر میرسد تقدم فرونیسیس بر سوفیا در نهایت به نوعی عدول از فلسفه اولی و بتبع آن، آدمی را شریفترین موضوعات پنداشتن، می‌انجامد. البته ارسطو خود با چنین موضعی مخالف است. مسئله اصلی در این مقاله اینست که آیا در فلسفه ارسطو تقدم با سوفیاست یا فرونیسیس و اینکه اهمیت تقدم یکی بر دیگری چیست و چه پیامدهایی دارد؟ در این مقاله استدلال می‌شود که گرچه نزد ارسطو فرونیسیس از

۶۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۸/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۱۹ نوع مقاله: پژوهشی

۱. دانشجوی دکتری فلسفه، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه

آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ ali.nazemi@yahoo.com

۲. استاد فلسفه، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران؛ rdavari@ias.ac.ir

۳. استادیار گروه فلسفه، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ m-hosseini@srbiau.ac.ir



جایگاهی ممتاز برخوردار است اما در نهایت سوفیا تقدیمی مبنایی دارد. از طرفی، در اندیشهٔ ارسطویی، ائودایمونیا (eudaimonia) یا نیکبختی، جز از طریق بهره‌مندی از فرونسیس توأم با سوفیا ممکن نیست. پس میتوان گفت برای شناخت غایت فلسفه، باید در مفاهیم سوفیا و فرونسیس و نسبت آنها با یکدیگر و دیگر فضایل تأمل کرد.

کلیدواژگان: ارسطو، سوفیا، فرونسیس، حکمت نظری، حکمت عملی، فضیلت، نیکبختی.

مقدمه

در فلسفهٔ اخلاق ارسطو و بویژه در *اخلاق نیکوماخوس*، چه نسبتی بین فضایل عقلی و فضایل اخلاقی وجود دارد؟ چه نسبتی بین اقسام فضایل عقلی برقرار است؟ حکمت نظری و حکمت عملی چه نسبتی با یکدیگر دارند؟ در *اخلاق نیکوماخوس*، تقدم و برتری با حکمت نظری است یا حکمت عملی؟ بنظر میرسد اهمیت موضوع در اینست که تقدم حکمت عملی بر حکمت نظری یا تقدم فرونسیس بر سوفیا، در نهایت به نوعی عدول از فلسفهٔ اولی و آدمی را بهترین و شریفترین موضوعات پنداشتن منجر میشود که البته ارسطو با چنین ادعایی مخالف است.^۱ اگر تقدم با حکمت عملی باشد ظاهراً ارسطو از اصولی که در *متافیزیک* به آن معتقد است، عدول کرده است.

ارسطو بصراحت فعل اخلاقی را به فرونسیس - که عبارتست از تشخیص خوب و بد افعال و اعمال در وقت و جای خود- منسوب کرده و در نتیجه خیر و شر را در عالم انسانی محدود ساخته است. او مجالی ایجاد نمود که در آن عمل انسانی شایستگی ورود به قلمرو دانایی و فلسفه را احراز نماید و در نهایت بیشتر از اسلاف خود، یعنی سقراط و افلاطون، نظر را از آسمان به

۶۴

